

گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در تپه علی یورد، صائین قلعه- استان زنجان

دکتر امیر صادق نقشینه*

*استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

چکیده

نخستین فصل کاوش در تپه علی یورد در تابستان و پاییز سال ۱۳۸۹ توسط گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر به انجام رسید. این تپه باستانی که یکی از بزرگترین و مهمترین مکانهای باستانی منطقه است؛ در غرب شهر صائین قلعه و در حوزه ابهر رود در استان زنجان واقع است. هدف از کاوش در این محل مطالعه توالی فرهنگی حوزه ابهر رود و همچنین آموزش دانشجویان رشته باستان شناسی است. به همین جهت یک ترانسه پلکانی در دامنه شمالی تپه و یک گمانه آزمایشی در مرکز آن ایجاد گردید؛ که حدود نیمی از ارتفاع تپه لایه نگاری گردید. در نتیجه این کاوش آثار و بقایایی از دوره اسلامی، دوره تاریخی و عصر مفرغ به دست آمد که در این نوشتار گزارش مقدماتی آن ارائه می شود. امید است با ادامه کاوش در فصل دوم بتوان لایه نگاری این تپه مهم را به انجام رسانید.

واژگان کلیدی: تپه علی یورد، استان زنجان، دوره اسلامی، دوره تاریخی، عصر مفرغ.

درآمد

کاوش، یکی از مهمترین راههای گردآوری دادهها در باستان شناسی است که نیاز مند آشنایی با فنون مختلف و همچنین تجربه و مهارت کافی است. از همین رو در برنامه آموزشی دانشگاه های ایران جهت رشته باستان شناسی، درسی در این زمینه گنجانده شده است تا دانشجویان با برخی از اساسی ترین فنون کاوش و مهارت های اولیه آشنا شوند. گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر نیز در همین راستا تا کنون چندین فصل کاوش را برای آموزش دانشجویان برگزار کرده است که در سال ۱۳۸۹ نخستین فصل کاوش خود را در

غربی آن وجود داشته است. علاوه بر این رودی فرعی از کوه های جنوبی سرچشمه می گیرد و در سمت شرق تپه علی یورد به ابهررود می ریزد. به نظر می رسد موقعیت خاص مکانی تپه علی یورد واقع در دشتی حاصلخیز و در مجاورت منابع آبی مختلف و دائمی و همچنین قرارگیری در کنار مسیر ارتباطی مهم شمال غرب به مرکز کشور، باعث گردیده که این محل در دوره های مختلف مورد توجه مردمان منطقه قرار گیرد و از همین رو آثاری از دوره های مختلف پیش از تاریخ تا اسلامی در آن بر جای مانده و آن را به یکی از بزرگترین تپه های باستانی حوزه ابهررود بدل کرده است. به همین جهت گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر این تپه مهم را برای کاوش های باستان‌شناختی خود در نظر گرفته که امید است با انجام و ادامه این کاوش ها اطلاعات ارزنده ای از فرهنگ های باستانی منطقه به دست آید.

اهداف نخستین فصل کاوش در تپه علی یورد

گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر برای انجام کاوش در تپه علی یورد در کنار اهداف آموزشی، اهداف پژوهشی را نیز در نظر دارد. اولین هدف از این کاوش ها آموزش دانشجویان رشته باستان‌شناسی است که در عمل و از نزدیک با کاوش باستان‌شناختی و فنون آن آشنا شوند. علاوه بر این قصد بر آن است که این کاوش ها با انگیزه ای صرفاً آموزشی انجام نگیرد و از این فرصت برای تحقیقات باستان‌شناختی در منطقه نیز استفاده شود. از همین رو تپه علی یورد، برای کاوش انتخاب گردید که خوشبختانه با موافقت سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان و همچنین پژوهشکده باستان‌شناسی این امر امکان پذیر شد.

گستره کاوش های باستان‌شناختی در استان زنجان و خصوصاً شهرستان ابهر و حوزه ابهر رود چندان وسیع نیست. مهمترین کاوش های انجام گرفته در استان مربوط به کاوش ها و مطالعات سلطانیه است که عمدتاً مرتبط با آثار دوره اسلامی هستند (بطورمثال میرفتاح، ۱۳۷۰؛ گنجوی، ۱۳۵۵). در قسمت های شرقی استان و حوزه ابهر رود تا کنون کاوش های گسترده و طولانی مدت انجام نگرفته و فقط چند گمانه زنی و کاوش

همین رو انجام لایه نگاری در علی یورد نخستین مرحله از مطالعات باستان‌شناسی در این تپه بزرگ و مهم منطقه است. البته به طوری که انتظار می رفت انجام لایه نگاری تمامی ارتفاع تپه که در حدود ۲۶ متر است در فصل اول مقدور نگردید که ادامه آن در کاوش فصل دوم پیگیری خواهد شد. در ادامه گزارش مقدماتی کاوش لایه نگاری فصل اول تپه علی یورد ارائه می گردد.

موقعیت تپه علی یورد

تپه علی یورد در مکانی با مختصات جغرافیایی ۵۲،۱۰،۴۹ شرقی و ۳۶،۱۹،۲۱ شمالی واقع در غرب شهر صائین قلعه در استان زنجان قرار دارد که در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۱۲ به شماره ۲۰۴۵۱ در فهرست آثار ملی ثبت شده است (نقشه ۱، تصویر ۱). این تپه یکی از بزرگ ترین و مهم ترین مکان های باستانی در کنار ابهر رود است که در کرانه جنوبی این رودخانه قرار گرفته است. ابهررود، رودخانه‌ای است که از منطقه امیرآباد سرچشمه می گیرد و تا دشت تاکستان در استان قزوین ادامه می یابد. در واقع ابهر رود بخش شرقی و طولانی تر دالان طبیعی زنجان-تاکستان را از شرق به غرب طی می کند و مهمترین رودخانه منطقه است که تمامی جویبارها و رودهای منطقه به آن می ریزد. دالان طبیعی زنجان-تاکستان مهمترین مسیر طبیعی است که حوزه فرهنگی شمال غرب را به دشت قزوین و حوزه فرهنگی شمال فلات مرتبط می سازد. امروزه مهمترین راه های ارتباطی مناطق مرکزی کشور با منطقه شمال غرب از این مسیر یا دالان طبیعی می گذرند و در گذشته نیز قطعاً اهمیت این مسیر طبیعی کمتر از امروز نبوده است. قرارگیری تپه علی یورد تقریباً در میانه این مسیر اهمیت ویژه ای برای مطالعات باستان‌شناسی در آن به وجود آورده است. این تپه باستانی در کرانه جنوبی ابهررود در دشتی کم عرض که از جنوب به کوه هایی کم ارتفاع منتهی می شود؛ قرار دارد. موقعیت تپه به گونه ای است که بر منطقه اطراف خود اشراف دارد و از یک طرف به کوهپایه ها نزدیک و از طرف دیگر در مجاورت ابهر رود است. البته دسترسی به منابع آبی محدود به ابهررود نبوده و بنابر اظهارات ساکنان منطقه تا چند سال پیش چشمه ای در نزدیکی تپه و در سمت شمال

تا عمق ۹/۶۶- متری از رأس تپه کاوش انجام گرفت که با ادامه آن در فصل دوم امید می رود لایه نگاری دامنه شمالی تپه علی یورد تا روی خاک بکر به اتمام برسد. لایه نگاری یکی از بلند ترین و بزرگترین تپه های منطقه که از موقعیت جغرافیایی خاصی نیز برخوردار است و آثاری از دوره های مختلف را در بر دارد؛ قطعاً در مطالعه توالی فرهنگی حوزه ابهررود، و مسیر طبیعی زنجان- تاکستان نقش چشمگیری خواهد داشت.

ترانشه های کاوش

هدف از فصل اول کاوش های تپه علی یورد، لایه نگاری این تپه مرتفع است و از همین رو محل و نوع ترانشه های کاوش نیز بر همین اساس انتخاب گردید. برای این منظور دو ترانشه مورد کاوش قرار گرفت. ترانشه اصلی که از نوع پلکانی است؛ در دامنه شمالی تپه که بیشترین ارتفاع را از سطح زمین های اطراف دارد؛ ایجاد گردید. این ترانشه تحت عنوان ترانشه A نامگذاری گردید. همچنین ترانشه آزمایشی کوچکی نیز در بلندترین قسمت تپه کاوش گردید که ترانشه B نامگذاری شد. ترانشه A دقیقاً در امتداد محورهای شمالی- جنوبی تپه ایجاد شده به طوری که از بالاترین قسمت تپه شروع و در جهت شمال به سمت پایین امتداد می یابد.

علت انتخاب دامنه شمالی تپه برای ایجاد ترانشه پلکانی، ارتفاع زیاد و همچنین دست نخورده بودن این قسمت از تپه است. در واقع بیشترین ارتفاع تپه علی یورد از سطح زمین های اطراف آن در سمت شمال است که بالغ بر ۲۶ متر می شود. از همین رو این قسمت از تپه برای لایه نگاری انتخاب گردید تا بتوان در یک ترانشه و به شکلی پیوسته بیشترین لایه ها و نهشته ها را برش داد. علاوه بر این در قسمت های دیگر تپه کاوش های غیر مجاز متعددی صورت گرفته که گودال های کوچک و بزرگ بسیاری را در سطح تپه به وجود آورده است و امکان ایجاد ترانشه ای طویل از بالا تا پایین تپه در حالی که با این گودال ها مواجه نشود؛ وجود ندارد. تنها در قسمت محدودی از دامنه شمالی تپه تعداد این گودال ها کم است و می توان از بالا تا پایین این قسمت را بدون برخورد با مانعی لایه نگاری کرد که این قسمت برای ایجاد ترانشه A انتخاب شد. همچنین شیب تند

محدود در محوطه های باستانی این منطقه انجام گرفته است. بطور مثال می توان به گمانه زنی در قلعه تپه ابهر اشاره کرد (میرفتاح، ۱۳۷۲؛ عسگری، ۱۳۸۰). البته در سالهای اخیر حوزه آبریز ابهر رود توسط ابوالفضل عالی مورد بررسی قرار گرفته است که منجر به شناسایی معرفی و ثبت بسیاری از مکان های باستانی منطقه شده است (عالی، ۱۳۸۳ الف؛ ۱۳۸۳ ب؛ ۱۳۸۵). در چنین وضعیتی انجام کاوش های هدفمند و برنامه ریزی شده برای شناخت بهتر فرهنگ های دوره های مختلف منطقه اهمیت بسزایی دارد و به همین دلیل، گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، کاوش های سالیانه خود را در منطقه ابهر رود متمرکز نمود. نخستین کوشش در این راستا، کاوش در تپه خالصة در سال ۱۳۸۸ بود که اطلاعات ارزشمندی از دوره نوسنگی منطقه در بر داشت^۱ و از سال ۱۳۸۹ نیز کاوش در تپه علی یورد آغاز گردید که امید است به اهداف مورد نظر خود دست یابد.

مهمترین هدف پژوهشی کاوش در تپه علی یورد، دست یابی به توالی فرهنگی دوره های مختلف در منطقه است؛ موضوعی که تاکنون چندان روشن نشده و فقط اطلاعات محدودی از بقایای دوره های مختلف و بررسی های سطحی از آن در دست است. تپه علی یورد با ارتفاع زیاد خود بقایایی از دوره های مختلف را در بر دارد که کاوش در آن می تواند داده های مهمی از دوره های فرهنگی مختلف منطقه به دست دهد. از همین رو کاوش فصل اول در این تپه با هدف لایه نگاری آغاز گردید تا بتوان به دیدگاهی کلی درباره دوره های استقراری و بقایای مختلف بر جای مانده در این محل دست یافت.

نوع ترانشه های کاوش و محل آنها نیز بر همین اساس انتخاب شد تا بتوان دامنه شمالی تپه را که مرتفع ترین و دست نخورده ترین قسمت آن است؛ لایه نگاری کرد. حداکثر ارتفاع در این قسمت از تپه بالغ بر ۲۶ متر است که بیشترین و دست نخورده ترین اطلاعات لایه نگاری را در بر دارد. البته کاوش تمامی ارتفاع ۲۶ متری تپه در فصل اول امکان پذیر نشد و فقط

۱- گزارش و مطالعات تکمیلی این کاوش هم اکنون توسط دکتر ولی پور در حال انجام است.

است و اضلاعی کاملاً موازی با ترانسه A دارد. این امر امکان مقایسه و مطابقت بهتر لایه های شناسایی شده در دو ترانسه را فراهم می آورد. ترانسه B در سمت جنوب ترانسه A و در فاصله ۶/۳۳ متر از آن قرار دارد و کاوش در آن از عمق ۵- سانتی متر شروع و در عمق ۳۳۰- سانتی متر از نقطه ثابت رأس تپه به پایان رسید.

لایه نگاری

در کاوش تپه علی یورد برای ثبت مشخصات و اطلاعات مربوط به لایه ها و همچنین بقایای معماری از مفهوم کانتکت^۲ استفاده شده است. در این شیوه کلیه لایه ها، چه لایه هایی که در اثر فعالیت های انسانی ایجاد شده باشند و چه لایه هایی که در نتیجه فعالیت های طبیعی شکل گرفته باشند و همچنین کلیه آثار و بقایای ثابت ساخته دست انسان نظیر دیوارها، اجاق ها و غیره، همگی با عنوان کانتکت نامگذاری می شوند و به ترتیب شناسایی و تشخیص هر یک، شماره های چهار رقمی برای آنها در نظر گرفته می شود. به این ترتیب اولین لایه یا سازه معماری مشخص شده در ترانسه با عنوان کانتکت ۱۰۰۱ نامگذاری می شود و لایه یا سازه بعدی، کانتکت ۱۰۰۲ و الی آخر. همچنین تمامی مشخصات و ویژگی های هر کانتکت در برگه های مربوط ثبت می شود. این مشخصات مواردی نظیر عمق شروع و پایان، ارتباط و همجواری با کانتکت های دیگر، دانه بندی، مواد تشکیل دهنده، رنگ، سختی، مواد فرهنگی به دست آمده و غیره است. از آنجایی که ترانسه پلکانی A به دو قسمت A₁ و A₂ تقسیم شده است؛ برای جلوگیری از اشتباه و تشابه در شماره کانتکت ها، در قسمت A₁ شماره گذاری کانتکت ها از شماره ۱۰۰۰ و در قسمت A₂ از شماره ۲۰۰۰ شروع می شوند.

ترانسه پلکانی A

در ترانسه پلکانی A تعداد ۵۲ کانتکت در قسمت A₁ (تصاویر ۲ تا ۴) و تعداد ۳۲ کانتکت در قسمت A₂ (تصاویر ۵ تا ۷) شناسایی و ثبت شد که از این تعداد، هفت کانتکت در قسمت A₁ با شش کانتکت در قسمت A₂ مشترک هستند. در واقع به

علی یورد در دامنه شمالی، یعنی محل ایجاد ترانسه پلکانی A، بیشتر از قسمت های دیگر تپه است که این وضعیت ایجاد پله های ترانسه پلکانی را تسهیل می کند ولی انجام عملیات کاوش را نیز با سختی هایی همراه می سازد. از آنجایی که ارتفاع تپه در قسمت شمالی بالغ بر ۲۶ متر است؛ طول ترانسه A بسیار زیاد خواهد شد که عملاً امکان کاوش آن در یک فصل وجود ندارد و فقط ۲۰ متر از طول آن برای کاوش در فصل اول در نظر گرفته شد. در نتیجه ترانسه A دارای ابعادی به طول ۲۰ متر و عرض ۲ متر است که تقریباً نیمی از طول دامنه شمالی تپه را در بر می گیرد. به دلیل طول زیاد محدوده این ترانسه در زمان کاوش، این ترانسه به دو نیم تقسیم شد که هر یک ۱۰ متر طول دارند و عملیات کاوش به صورت همزمان در این دو قسمت انجام گرفت. قسمت جنوبی و بلندتر تحت عنوان ترانسه A₁ و قسمت شمالی که در سطح پایین تر و دامنه تپه واقع است تحت عنوان ترانسه A₂ نامگذاری گردید. کاوش در قسمت A₁ از سطح ۱۶ سانتی متر بالاتر از نقطه ثابت رأس تپه شروع شد و در پایین ترین قسمت تا عمق ۴۳۱- سانتی متر ادامه یافت. در قسمت A₂ نیز کاوش در جنوبی ترین قسمت و محل اتصال دو قسمت A₁ و A₂، از عمق ۳۰۸- سانتی متر از نقطه ثابت شروع شد و تا عمق ۹۶۶- سانتی متر در فاصله ۸/۶۴ متری از طول ترانسه ادامه یافت. در واقع به علت کمبود وقت و پایان فصل حفاری، کاوش در تمامی طول ۱۰ متری ترانسه A₂ انجام نگرفت و فقط ۸/۶۴ متر از طول آن کاوش گردید. البته برای دست یابی به لایه های زیرین و گردآوری اطلاعات بیشتر، یک گمانه پیشرو به طول ۲ متر و عرض ۱ متر در محل آخرین پله ایجاد گردید که کاوش در آن تا عمق ۹۶۶- سانتی متر از نقطه ثابت رأس تپه ادامه یافت.

علاوه بر ترانسه پلکانی A، گمانه آزمایشی کوچک دیگری در بلندترین قسمت تپه و در دیواره یکی از گودال های حاصل از حفاری های غیر مجاز ایجاد گردید. این گمانه آزمایشی که ابعادی برابر ۱/۲×۱/۲ متر دارد؛ تحت عنوان ترانسه B نامگذاری شد و کاوش در آن به شکل کاملاً عمودی انجام گرفت. این ترانسه نیز در امتداد محور شمالی- جنوبی تپه قرار دارد؛ به طوریکه ضلع شرقی آن دقیقاً به موازات ضلع شرقی ترانسه A

کانتکست های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ در قسمت A₂ این ترانسه معرف آثار و بقایای دوره تاریخی هستند.

در این میان به واسطه مجاورت دو بخش A₁ و A₂، کانتکست های مشترکی میان آن ها وجود دارد که در این دو بخش با شماره های متفاوتی ثبت شده اند. کانتکست های ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ در بخش A₁ برابر کانتکست ۲۰۰۱ در بخش A₂ هستند که خاک سطحی تپه را تشکیل می دهند. کانتکست ۱۰۳۴ در بخش A₁ برابر کانتکست ۲۰۰۲ در بخش A₂ است که سازه ای سنگی و نه چندان مشخص در زیر خاک سطحی تپه است و در حال حاضر به دلیل نبود مدارک کافی تاریخ گذاری آن ممکن نیست. کانتکست ۱۰۵۰ در بخش A₁ برابر کانتکست های ۲۰۰۵، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در بخش A₂ است که معرف دیوار خشتی قطوری در جهت شرقی- غربی هستند. کانتکست ۱۰۳۰ در بخش A₁ برابر کانتکست ۲۰۰۳ در بخش A₂ که شامل لایه ای انباشتی از خاک و خرده خشت است و همچنین کانتکست ۱۰۲۸ در بخش A₁ که برابر کانتکست ۲۰۰۶ در بخش A₂ است؛ شامل لایه ای انباشتی از خاک هستند.

مهمترین آثار به دست آمده از دوره تاریخی در محدوده ترانسه پلکانی A، شامل چهار دیوار قطوری در جهت شرقی- غربی و دو دیوار خشتی دیگر در جهت شمالی- جنوبی است. چهار دیوار شرقی- غربی با ساختاری مشابه و از خشت های بزرگ با ابعاد تقریبی ۱۰ × ۴۰ × ۴۰ سانتی متر ساخته شده اند و تقریباً با یکدیگر موازی هستند. این دیوارها با فاصله کمی از یکدیگر و بر روی شیب تپه با جهت تقریباً شرق به غرب ایجاد شده اند و به نظر می رسد محدوده بالایی تپه را احاطه می کرده اند. بالاترین دیوار (C.1015) در حدود ۲ متر ضخامت دارد و ارتفاع قسمت باقی مانده از آن در حدود ۷۰ سانتی متر است و توسط دو گودال بزرگ زباله مربوط به دوره اسلامی (C.1016، C.1018 و C.1020) قطع شده است. دیوار دوم (C.1047) در حدود ۱۸۰ سانتی متر پایین تر از دیوار اول (C.1015) قرار دارد که به جهت قرار گرفتن در محل پله ترانسه پلکانی بطور کامل کاوش نگردیده و در نتیجه ضخامت و ارتفاع آن دقیقاً مشخص نیست. دیوار سوم شرقی- غربی در مرز دو قسمت A₁ و A₂ ترانسه پلکانی قرار دارد که در نتیجه بخشی از

دلیل مجاورت این دو قسمت برخی از لایه ها در هر دو قسمت امتداد دارند و در هر قسمت به طور جدا گانه کاوش و شماره گذاری شده اند ولی در اصل یک لایه را تشکیل می دهند.

به طور کلی لایه ها و سازه های مختلفی که در دو قسمت A₁ و A₂ کاوش شده اند؛ نشانگر بقایایی از سه دوره استقرار مختلف در تپه علی یورد هستند. جدیدترین بقایای استقراری مربوط به دوره اسلامی است که در بالاترین سطح برش لایه نگاری ترانسه A و فقط در قسمت A₁ قرار دارند. این آثار معرف یک دوره استقراری ظاهراً کوتاه مدت و شامل کانتکست های ۱۰۰۳ تا ۱۰۱۴، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۲۰، و ۱۰۲۶ هستند. مهمترین بقایای شناسایی شده از این استقرار شامل یک پی سنگی (C.1003)، بخش تحتانی دو تنور (C.1008) و (C.1014)، یک اجاق به شدت فرسوده (C.1005) و دو گودال نسبتاً بزرگ زباله (C.1016، C.1018 و C.1020) هستند. این بقایا بازمانده هایی از یک روستای واقع در بالاترین قسمت تپه علی یورد هستند. مهمترین مواد فرهنگی به دست آمده در میان بقایا و نهشته های این دوره، قطعات ظروف سفالین است که خصوصاً به تعداد فراوان از گودال های زباله به دست آمده اند و مهمترین مدرک برای تاریخ گذاری بقایای اسلامی تپه علی یورد محسوب می شوند. در این میان سفال های بانقش کنده زیرلعاب شاخص ترین نوع سفال های اسلامی را در علی یورد تشکیل می دهند (تصویر ۹). البته تعداد محدودی قطعات سفال های دوره تاریخی نیز در میان کانتکست های مربوط به دوره اسلامی دیده می شوند که به احتمال قوی از لایه های سطحی (C.1001 و C.1002) به درون این کانتکست ها وارد شده اند. به طور کلی آثار و بقایای استقراری دوره اسلامی در علی یورد محدود و کم حجم است و از آنجایی که این آثار در بالاترین سطح تپه قرار دارند؛ در معرض عوامل جوی قرار داشته و به شدت فرسایش یافته و تخریب شده اند.

در سطح پایین تر از آثار دوره اسلامی، بقایایی از استقرار دوره تاریخی در تپه علی یورد دیده می شود. این بقایا در هر دو قسمت A₁ و A₂ ترانسه پلکانی امتداد دارند به طوریکه کانتکست های ۱۰۱۵، ۱۰۱۹ و ۱۰۲۱ تا ۱۰۵۱ (به استثناء کانتکست های ۱۰۲۶ و ۱۰۳۴) در قسمت A₁ ترانسه پلکانی و

وارد شده باشد. تقریباً هیچ نمونه ای از سفال های اسلامی در بقایای دوره تاریخی دیده نمی شود.

در سطح پایین تر از بقایای دوره تاریخی، بقایایی از دوره پیش از تاریخ وجود دارد. این بقایا در شمالی ترین قسمت حفاری شده ترانشه پلکانی A و یا به عبارت دیگر در پایین ترین قسمت حفاری شده بخش A₂ این ترانشه کاوش شده اند و شامل کانتکست های ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۳ هستند که بنابر سفال های به دست آمده به عصر مفرغ و فرهنگ موسوم به یانیق تعلق دارند. مهمترین مدارک برای تاریخگذاری این بقایا در دوره مفرغ قدیم، یافته های سفالی است که عمدتاً شامل سفال های خاکستری و سیاه براق و شاخص فرهنگ یانیق هستند (تصویر ۱۱). بیشتر آثار به دست آمده از این دوره لایه ها و نهشته هایی است که عمدتاً متشکل از خاک و خاکستر هستند؛ به طوریکه تقریباً نشانه ای از بقایای معماری در میان آنها دیده نمی شود. البته به استثناء کانتکست ۲۰۲۲ که مربوط به بقایای یک سازه حرارتی است. این سازه حرارتی از لایه های شن، سنگ و خاک حرارت دیده تشکیل شده است و در محلی قرار گرفته که نیمی از آن از محدوده کاوش خارج گردیده است. این سازه حرارتی ظاهراً کف یا اثر معماری دیگری مرتبط نیست و احتمالاً آن را در جهت شیب تپه و رو به شمال ساخته بوده اند. آنچه در بقایای دوره مفرغ در علی یورد تپه جلب توجه می کند؛ وجود مقدار زیادی خاکستر است چه به صورت لزها یا لایه های نازک و چه به صورت آمیخته با خاک در لایه های دیگر. این وضعیت کمابیش در تمامی ضخامت لایه های کاوش شده این دوره که نزدیک به سه متر است؛ دیده می شود. علت این وضعیت در حال حاضر برای ما معلوم نیست ولی شاید بتوان این احتمال را مطرح کرد که دامنه و شیب شمالی تپه، محل دورریز و انباشت زباله ها و خاکسترهای ساکنان محل در عصر مفرغ بوده است؛ خصوصاً آن که شیب تپه در این قسمت بیشتر از قسمت های دیگر است و تقریباً هیچ بقایا و نشانه ای از آثار معماری نیز در این محل به دست نیامده است. البته احتمال دیگری را نیز می توان مطرح کرد مبنی بر این که در دوره مفرغ فعالیت های صنعتی نظیر ساخت سفال در محدوده شمالی تپه متمرکز بوده است و بقایای زیاد خاکستر در این قسمت نشانگر این موضوع

آن در محدوده A₁ (C.1050) و بخش دیگری از آن در محدوده A₂ (شامل C.2005، C.2009 و C.2010) کاوش و ثبت شده است. ضخامت این دیوار در حدود ۲ متر است و در حدود ۸۰ سانتی متر از ارتفاع آن باقی مانده است. در سمت جنوبی این دیوار توده ای سنگی (C.2008) وجود دارد که احتمالاً پشتیبان و نگه دارنده دیوار خشتی بوده است. این پشتیبان سنگی (؟) از قطعات طبیعی و نامنظم سنگ ساخته شده است که به علت فرسایش و تخریب زیاد شکل اصلی و اولیه آن قابل تشخیص نیست. چهارمین دیوار شرقی-غربی (C.2013) دقیقاً در زیر دیوار سوم قرار گرفته است و از آنجایی که به شدت فرسایش یافته است ابعاد و شکل آن به دقت معلوم نیست. ولی ابعاد خشت ها و شیوه ساخت آن شبیه دیوار های دیگر است. البته با توجه به جهت متفاوت خشت ها می توان تشخیص داد که این دیوار نسبت به سه دیوار دیگر جهتی کمی مایل دارد و در امتداد تقریبی شمال شرقی-جنوب غربی ساخته شده است.

علاوه بر این، دو دیوار شمالی-جنوبی نیز در محدوده بقایای دوره تاریخی وجود دارد؛ که هر دوی آن ها در غربی ترین قسمت ترانشه A₁ قرار دارند به طوری که عمدتاً از دیواره غربی ترانشه خارج شده اند و فقط بخش محدودی از آنها در محدوده کاوش قرار دارد. دیوار اول (C.1029) در حدود ۲۸۰ سانتی متر طول و نزدیک به ۵۰ سانتی متر ارتفاع دارد ولی ضخامت آن معلوم نیست. دیوار دوم (C.1038) نیز در حدود ۲۰۰ سانتی متر طول و ۲۶ سانتی متر ارتفاع دارد. این دو دیوار عمدتاً از خشت ساخته شده اند ولی به نظر می رسد قسمت هایی از آنها، خصوصاً دیوار دوم (C.1038) از گل ساخته شده باشد. البته در حال حاضر به دلیل کاوش محدود این دو دیوار، از جزئیات آنها و ارتباط آنها با دیوار های شرقی-غربی اطلاعات دقیقی در دست نیست.

علاوه بر آثار معماری، مهمترین یافته های دوره تاریخی شامل قطعات سفالین است. سفال ها عمدتاً مربوط به دوره تاریخی هستند و بیشترین مشابهت را با سفال دوره اشکانی در منطقه دارند (تصویر ۱۰). البته تعداد محدودی سفال پیش از تاریخی دیده می شود که به نظر می رسد در اثر ساخت و سازها و فعالیت های دوره تاریخی از سطوح زیرین به این لایه های

است.

واسطه ساخت تنوری (C.1019) در قسمت غربی آن تخریب شده است. حداکثر ارتفاع باقی مانده از این سازه چینه ای (دیوار؟) حدود ۷۷ سانتی متر است. به نظر می رسد براساس سفال های به دست آمده، آثار کاوش شده تا سطح پایین این دیوار (C.1009) متعلق به دوره اسلامی هستند. به این ترتیب می توان از کانتکست ۱۰۰۲، درست در زیر لایه سطحی تپه تا کانتکست های ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ را، در عمق حدود ۱۲۶- سانتی متری از نقطه ثابت رأس تپه، معرف بقایای دوره اسلامی در ترانسه B در نظر گرفت. البته کانتکست ۱۰۱۹ را نیز که تنوری از دوره اسلامی است باید به این مجموعه اضافه نمود.

در زیر آثار دوره اسلامی، همچون ترانسه پلکانی A، بقایایی از دوره تاریخی دیده می شود که شامل کانتکست های ۱۰۱۴ تا ۱۰۲۷ (به استثناء کانتکست ۱۰۱۹ که تنوری از دوره اسلامی است) می شوند. این کانتکست ها شامل بقایای معماری، آوار و نهشته های خاک و مهمترین آن ها کانتکست های ۱۰۱۸ و ۱۰۲۰ هستند که بقایایی از یک دیوار خشتی بزرگ با خشت هایی در ابعاد $۱۰ \times ۴۰ \times ۴۰$ سانتی متر را شامل می شوند. این دیوار خشتی جهتی تقریباً شمال شرقی - جنوب غربی دارد و تنها بخش کوچکی از آن در محدوده کاوش قرار دارد. این دیوار بنابر دلایلی نامشخص دچار نشست و شکستگی شده است. در سمت شمال این دیوار و چسبیده به آن، سازه ای از سنگ و گل (C.1015) وجود دارد که احتمالاً نقش پشتیبان را برای دیوار خشتی داشته است. این سازه سنگی از دو ردیف سنگ های نسبتاً بزرگ طبیعت و بدون تراش و با ملات گل ساخته شده و دارای پی از گل (C.1022) است. علاوه بر این دیوار خشتی، بقایایی از یک سازه خشتی دیگر در پایین ترین سطح کاوش شده مشخص گردید که شامل کانتکست های ۱۰۲۶ و ۱۰۲۷ می شود. متأسفانه به جهت وسعت کم ترانسه B و آسیب شدید این سازه خشتی و همچنین توقف کاوش در سطح آن، در حال حاضر امکان تشخیص شکل اصلی و کارکرد این سازه خشتی امکان ندارد. تنها می توان اظهار داشت که خشت ها و کلاً ساختار این سازه بسیار شبیه دیوار خشتی کانتکست های ۱۰۱۷ و ۱۰۲۰ است و هر دوی آن ها به دوره تاریخی تعلق دارند. مابقی کانتکست های دوره تاریخی، نهشته های خاکی و

به این ترتیب آثار و بقایای کاوش شده در ترانسه پلکانی A مربوط به سه دوره است: دوره اسلامی از بالاترین قسمت تا عمق ۱۰۴- سانتی متر، دوره تاریخی از عمق ۱۰۴- تا ۶۸۰- سانتی متر و بقایای عصر مفرغ از عمق ۶۸۰- تا ۹۶۵- سانتی متر از نقطه ثابت رأس تپه.

ترانسه آزمایشی B

ترانسه آزمایشی یا گمانه B در بالاترین قسمت تپه و در محل یکی از عمیق ترین گودال های حفاری های غیر مجاز ایجاد شد. در واقع گمانه B در محل دیواره شرقی یک گودال، کاوش شد به طوریکه بتوان از محل گودال برای رفت و آمد و کاوش آسان تر گمانه استفاده کرد. این گمانه به شکل کاملاً عمودی کاوش شده است و ابعادی برابر ۱۲۰×۱۲۰ سانتی متر دارد. هدف از کاوش گمانه B، به دست آوردن اطلاعات لایه نگاری در تکمیل اطلاعات حاصل از ترانسه پلکانی A با حداقل خاکبرداری بود. این گمانه تا عمق ۳۳۰- سانتی متر از نقطه ثابت رأس تپه کاوش شده است. وضعیت بقایا و نهشته های به دست آمده در گمانه B به علت وسعت کم آن به طور دقیق معلوم نیست به طوریکه نمی توان فضاهای معماری و جهت و شکل دقیق عناصر معماری را تشخیص داد ولی با این وجود می توان بقایای استقرار دو دوره اسلامی و تاریخی را در این گمانه مشخص نمود.

بقایای دوره اسلامی که در بالاترین سطح قرار دارند در بردارنده بقایای معماری و همچنین نهشته هایی متشکل از ویرانه های معماری هستند. بقایایی از یک پی سنگی (C.1004) در بالاترین سطح دیده می شود که از قلوه سنگ های طبیعی رودخانه ای ساخته شده است. این پی امتداد شمالی - جنوبی دارد و طول آن ۱۲۰ و عرض آن ۶۰ سانتی متر است و حدود ۳۰ سانتی متر ضخامت دارد. در سطح پایین تر بقایایی از یک سازه چینه ای (C.1009) وجود دارد که احتمالاً دیواری در جهت شرقی - غربی است ولی شکل اصلی و دقیق آن معلوم نیست. بخشی از این دیوار به جهت ایجاد گودالی (C.1010) در مراحل بعدی استقرار از بین رفته است و بخش دیگری نیز به

آوار هستند (تصویر ۸).

نمی تواند نشانگر سطح استقرار دوره اسلامی باشد و لایه های استقرار این دوره ضخامت کمتری دارند؛ چنانکه در ترانسه آزمایشی B، لایه های استقرار و بقایای معماری دوره اسلامی تا عمق حدود ۱۲۶- سانتی متر از رأس تپه ادامه دارند (یعنی تا سطح پایین کانتکتس ۱۰۰۹ در ترانسه B). به این ترتیب استقرار دوره اسلامی در تپه علی یورد، استقرار طولانی مدت نبوده است و تنوع کم سفال های دوره اسلامی نیز مؤید این موضوع است. با این حال این استقرار حداقل شامل دو مرحله بوده است. چنانکه در ترانسه آزمایشی B بقایای دو مرحله ساختمانی از این دوره بر روی هم دیده می شوند و کانتکتس ۱۰۰۴ که یک پی سنگی است در سطحی بالاتر و روی کانتکتس ۱۰۰۹ که نشانگر یک دیوارخشتی است؛ قرار دارد (تصویر ۸).

بلافاصله در زیر بقایای دوره اسلامی، بقایایی از دوره تاریخی قرار دارد و هیچ نهشته یا لایه طبیعی در حد فاصل بقایای این دو دوره دیده نمی شود. حتی چنانکه اشاره شد بخش هایی از ساخت و سازه های دوره اسلامی مستقیماً در بقایای دوره تاریخی ایجاد شده اند؛ نظیر گودال های زباله یا گودال ایجاد تنور در ترانسه A (کانتکتس های ۱۰۱۸، ۱۰۲۰، ۱۰۱۶ و ۱۰۲۶). نبود نهشته های طبیعی در حد فاصل آثار این دو دوره می تواند ناشی از دو عامل باشد. یکی آن که در دوره اسلامی سطح فوقانی تپه تسطیح و برای ساخت و ساز و سکونت آماده سازی شده است و دیگر آن که به واسطه ارتفاع محل هیچ جریان طبیعی مهمی بر سطح تپه در حد فاصل این دو دوره وجود نداشته است تا رسوبات و نهشته های طبیعی از خود بر جای گذاشته باشد.

بقایای دوره تاریخی، حجم و گستردگی بیشتری از دوره اسلامی دارند. در ترانسه پلکانی A از بالاترین سطح کانتکتس ۱۰۱۵ (در بخش A₁ این ترانسه) که یک دیواره خشتی قطور است تا پایین ترین سطح کانتکتس ۲۰۱۵ (در بخش A₂ این ترانسه) که لایه انباشتی از خاک، شن و قلوه سنگ است؛ بقایایی از دوره تاریخی وجود دارد که مجموعاً در حدود ۵۸۰ سانتی متر ضخامت دارند. در ترانسه آزمایشی B نیز آثار این دوره از عمق ۱۲۶- سانتی متری شروع می شود و تا پایین ترین سطح کاوش شده در این ترانسه، یعنی عمق ۳۳۰- سانتی متری

مهمترین شواهد و مدارک برای تاریخگذاری آثار و بقایای کاوش شده در ترانسه آزمایشی یا گمانه B، یافته های سفالی است به طوری که کانتکتس های ۱۰۲۲ تا ۱۰۱۳ و ۱۰۱۹ عمدتاً حاوی تکه سفال های اسلامی هستند و کانتکتس های ۱۰۱۴ تا ۱۰۲۷ (به استثناء ۱۰۱۹) عمدتاً سفال های دوره تاریخی - احتمالاً اشکانی - را در بر دارند. البته قطعاتی از سفال های عصر آهن و مفرغ نیز در میان سفال های بقایای دوره تاریخی وجود دارد که به نظر می رسد در اثر فعالیت های ساکنان این دوره از سطوح پایین تر به نهشته ها و بقایای این دوره وارد شده اند.

برآیند

با انجام فصل اول کاوش در تپه علی یورد بخش قابل توجهی از بقایا و نهشته های باستانی این مکان، مورد کاوش لایه نگاری قرار گرفت. به طوری که در ترانسه پلکانی A تا عمق ۹۶۶- سانتی متری و در ترانسه آزمایشی B تا عمق ۳۳۰- سانتی متر از بالاترین نقطه تپه کاوش و لایه نگاری گردید. با این وجود سطح خاک بکر و پایین ترین لایه ها و نهشته های فرهنگی در فصل اول کاوش مشخص نگردید که انتظار می رود با انجام فصل دوم کاوش به این مهم دست یابیم.

آنچه در فصل اول کاوش گردید نشانگر بقایایی از سه دوره مهم و اصلی در تپه علی یورد است. جدید ترین و بالاترین بقایای استقرار مربوط به دوره اسلامی است که بنابر مطالعه اولیه سفال های به دست آمده به قرون میانه اسلام تعلق دارد. از جمله سفال شاخص این دوره در تپه علی یورد باید به سفال نقش کنده در زیر لعاب یا اصطلاحاً اسگرافیاتو^۳ اشاره کرد (تصویر ۹) که معمولاً در قرون میانه اسلامی (قرن ۴ تا ۷ هجری) تاریخ گذاری می شوند (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۲۹-۲۲). بقایا و نهشته های دوره اسلامی در ترانسه A از رأس تپه تا عمق حداکثر ۲۸۵- سانتی متر را در بر می گیرند. حداکثر عمق این آثار مربوط به گودال زباله ای (C.1018 و C.1020) است که در بقایای دوره قدیم تر (دوره تاریخی) ایجاد شده و حاوی مقدار زیادی سفال دوره اسلامی است ولی عمق این گودال زباله

سطحی از آن‌ها در درست است. با این وجود مدارک برای این انتساب کافی است. بطور مثال دسته‌های شاخص سفال یانیق که از لایه‌های کاوش شده بدست آمده‌اند (تصویر ۱۱). بقایای این دوره تنها در بخش‌های پایین ترانشه پلکانی A به دست آمده‌اند. در واقع از عمق ۶۸۰- سانتی متری (کانتکست ۲۰۱۶) تا پایین‌ترین سطح کاوش شده، یعنی عمق ۹۶۶- سانتی متر (کانتکست ۲۰۳۳)، در بخش A₂ ترانشه پلکانی حاوی بقایای دوره مفرغ است. این بقایا عمدتاً لایه‌ها و نهشته‌هایی متشکل از خاک و خاکستر هستند و تقریباً آثار معماری عمده‌ای دیده نمی‌شود. علت این امر ظاهراً شیب زیاد تپه در دامنه شمالی است که مانع از ساخت و ساز و استقرار در این قسمت از محل بوده است و از همین رو به نظر می‌رسد که احتمالاً در دوره مفرغ، ساخت ساز عمده‌ای در این بخش از تپه صورت نگرفته است و دامنه شمالی محل انباشت زباله‌ها یا فعلیت‌های صنعتی بوده است. در ترانشه آزمایشی B نیز کاوش تا سطح لایه‌ها و بقایای دوره مفرغ انجام نگرفت و در نتیجه مدارکی از استقرار این دوره به دست نیامد. مهمترین یافته‌های این دوره قطعات سفالی است که عموماً خاکستری و سیاه‌رنگ با سطح صیقلی و دست‌سازند که نشانگر سفال شاخص فرهنگ یانیق هستند (تصویر ۱۱). البته در میان سفال‌های کاوش شده این دوره قطعاتی که شکل و تزئینات شاخص داشته باشند پر تعداد نیستند ولی با این حال شواهد و مشابهت‌های کافی در دست است؛ به طور مثال تزئینات زیگزاگی فرورفته که در زیر لبه برخی ظروف دیده می‌شود (تصویر ۱۱، شماره ۱ و ۲) قابل مقایسه با نمونه‌هایی از طبقه IV گودین تپه هستند (Young, 1969: Fig. 11, 4 & 14; Young & Levine, 1974: Fig. 19, 1 & 3). این در حالی است که شباهت سفال‌های مفرغ علی‌یورد با سفال محوطه‌های همزمان در شمال غرب به طور مثال یانیق تپه (Burney, 1964) کمتر است. بنابر این اگرچه مدارک سفالی کافی و لایه‌ها و نهشته‌های نسبتاً ضخیمی با حدود ۲۸۶ سانتی متر ضخامت از دوره مفرغ در تپه علی‌یورد کاوش شده است؛ ولی مدارک مستقیمی از ساختار استقرار این دوره و مراحل مختلف آن به دست نیامد. برای این منظور ادامه کاوش در ترانشه پلکانی A در فصل دوم می‌تواند وضعیت بقایای این

ادامه دارد. بر پایه سفال‌های به دست آمده، این بقایای حجیم به دوره پارتی تعلق دارند (تصویر ۸). در واقع سفال‌های تاریخی در علی‌یورد، بیشترین مشابهت را با سفال پارتی شناخته شده در منطقه دارند (مافی و صراف، ۱۳۸۵؛ خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳). بقایای این دوره در علی‌یورد نشانگر چند مرحله ساختمانی پی در پی هستند. وجود چهار دیوار خشتی قطور با فاصله کم از یکدیگر که همگی در جهت شرقی- غربی امتداد دارند و ساختار و خشت‌هایی مشابه هم دارند؛ نشانگر چهار مرحله ساختمانی در این دوره است (کانتکست ۱۰۱۵، ۱۰۴۷، ۱۰۵۰، ۲۰۰۵، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ در ترانشه پلکانی A) (تصویر ۲ تا ۷). این دیوارها ظاهراً نشانگر حدود شمالی استقرار این دوره بر روی تپه هستند و احتمالاً به شکل حصار یا دیواری در اطراف قسمت مرتفع‌تر تپه امتداد داشته‌اند. شیب نسبتاً زیاد تپه در این قسمت می‌تواند دلیل ساخت متوالی این دیوارهای موازی و نزدیک به هم باشد زیرا که احتمالاً شیب زیاد باعث رانش و تخریب تدریجی دیوارهای قدیمی‌تر و در نتیجه ساخت دیوارهایی جدید در ارتفاع بالاتر و به سمت جنوب و مرکز گردیده است. شواهدی از یک پشتیبان برای دیوار سوم (کانتکست ۲۰۰۸ در بخش A₂) وجود دارد که خود نشانگر نیاز به مراقبت از دیوارها در مقابل رانش و تخریب است. در ترانشه B نیز بقایای دو سازه خشتی (کانتکست‌های ۱۰۱۸، ۱۰۲۰، ۱۰۲۶ و ۱۰۲۷) در دو سطح مختلف از دوره تاریخی دیده می‌شود (تصویر ۸) که به خوبی نشان می‌دهد ساخت و ساز در این دوره شامل چند مرحله بوده است. البته با توجه به وسعت محدود کاوش، در حال حاضر امکان مطالعه دقیق ساختار استقرار این دوره در تپه علی‌یورد مقدور نیست و نمی‌توان درباره وسعت و مراحل این استقرار و نوع آن اظهار نظر دقیقی انجام داد.

آثار قدیمی‌ترین دوره کاوش شده در تپه علی‌یورد مربوط به عصر مفرغ قدیم است. مهمترین یافته‌های این دوره قطعات سفالی است که عمدتاً خاکستری و سیاه‌رنگ با سطح صیقلی و دست‌سازند که نشانگر سفال شاخص فرهنگ یانیق هستند (تصویر ۱۱). البته نمونه‌های دارای اشکال شاخص کمتر بدست آمده‌اند و هیچ نمونه‌ای از تزئینات‌کننده معروف این نوع سفال در لایه‌های کاوش شده بدست نیامد؛ هرچند که چند نمونه

حضور و فعالیت جوامع این دوره در محل مطمئن باشیم. احتمالاً فعالیت جوامع عصر آهن در علی یورد تپه می تواند مربوط به تدفین مردگان بوده باشد و احتمالاً مردمان این دوره از سطح تپه به عنوان گورستان استفاده می کردند. دلایل تقویت کننده این فرضیه، کمی تعداد سفال های عصر آهن، وجود شواهد سطحی از تدفین نظیر استخوان های پراکنده انسانی و نبود مدارک لایه نگاری از استقرار این دوره است. ولی این موضوع تنها یک فرضیه است که برای روشن شدن آن نیاز به کاوش های وسیع تر است.

به این ترتیب بر پایه نتایج فصل اول کاوش در علی یورد، می توان برنامه کاوش فصل بعدی را تعیین کرد. در فصل دوم اولویت با ادامه کاوش پلکانی A خواهد بود تا سطح خاک بکر و مقدار نهشته های باستانی در سمت دامنه شمالی تپه معلوم شود. از طرف دیگر برای به دست آوردن مدارک کافی از چگونگی استقرار دوره های مختلف در تپه علی یورد، انجام کاوش های وسیع تر و افقی ضروری است که در صورت امکان در فصل دوم پیگیری خواهد شد.

دوره را در دامنه شمالی تپه روشن سازد؛ هر چند که احتمال دستیابی به آثار معماری این دوره در قسمت های کم شیب تر تپه بیشتر به نظر می رسد.

علاوه بر آثار دوره های اسلامی، پارتی و مفرغ، شواهد محدودی از دوره آهن نیز در کاوش فصل اول تپه علی یورد به دست آمد. این شواهد تنها شامل تعداد کمی قطعات سفالین است که بعضی از سطح تپه گردآوری شده و تعداد کم تری نیز در حین کاوش از سطوح مختلف به دست آمده اند. سفال های عصر آهن کاوش شده به تعداد کم از کانتکست هایی به دست آمده اند که عمدتاً حاوی سفال دوره های دیگر، خصوصاً دوره تاریخی یا مفرغ بوده اند و به روشنی می توان دریافت که حضور آن ها نشانه تعلق آن کانتکست به عصر آهن نیست بلکه به شکلی تصادفی و در اثر عوامل طبیعی یا انسانی به این کانتکست ها منتقل شده اند. در نتیجه در حال حاضر هیچ مدرک و نشانه مشخصی از استقرار عصر آهن در تپه علی یورد در دست نیست؛ ولی می توانیم بر اساس مدارک سفالی به دست آمده، از

منابع

الف) فارسی

آبریز ابهررود، آرشیو و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (چاپ نشده).

عسگریان، مهرداد، ۱۳۸۰، گمانه زنی قلعه تپه ابهر، آرشیو و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (چاپ نشده).

کریمی، فاطمه و کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۴،

گنجوی، سعید، ۱۳۵۵، بررسی و پیگردی در سلطانیه، گزارش های چهارمین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران، تهران، صص ۷۴-۹۱.

مافی، فرزاد و صراف، محمدرحیم، ۱۳۸۵، تحلیل باستان شناختی آثار و استقرارهای اشکانی حوزه آبریز ابهررود، پیام باستان شناس، مجله

خسروزاده، علیرضا و عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، توصیف، طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفال دوره اشکانی و ساسانی در منطقه ماه نشان زنجان، مجموعه مقالات همایش بین المللی باستان شناسی حوزه شمال غرب، انتشارات پژوهشکده باستان شناسی.

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۳ الف، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی حوزه آبریز ابهررود، آرشیو و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (چاپ نشده).

_____، ۱۳۸۳ ب، گزارش توصیفی بررسی و شناسایی باستان شناختی حوزه آبریز ابهررود، پیام باستان شناس، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال سوم، شماره ششم، صص ۴۲-۱۷.

_____، ۱۳۸۵، گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی حوزه

(ب) غیرفارسی

علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۰۲-۷۵.

Burney, C. A., 1964, The Excavation at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1962, Third preliminary Report, *IRAQ*, Vol. 26: 54-62.

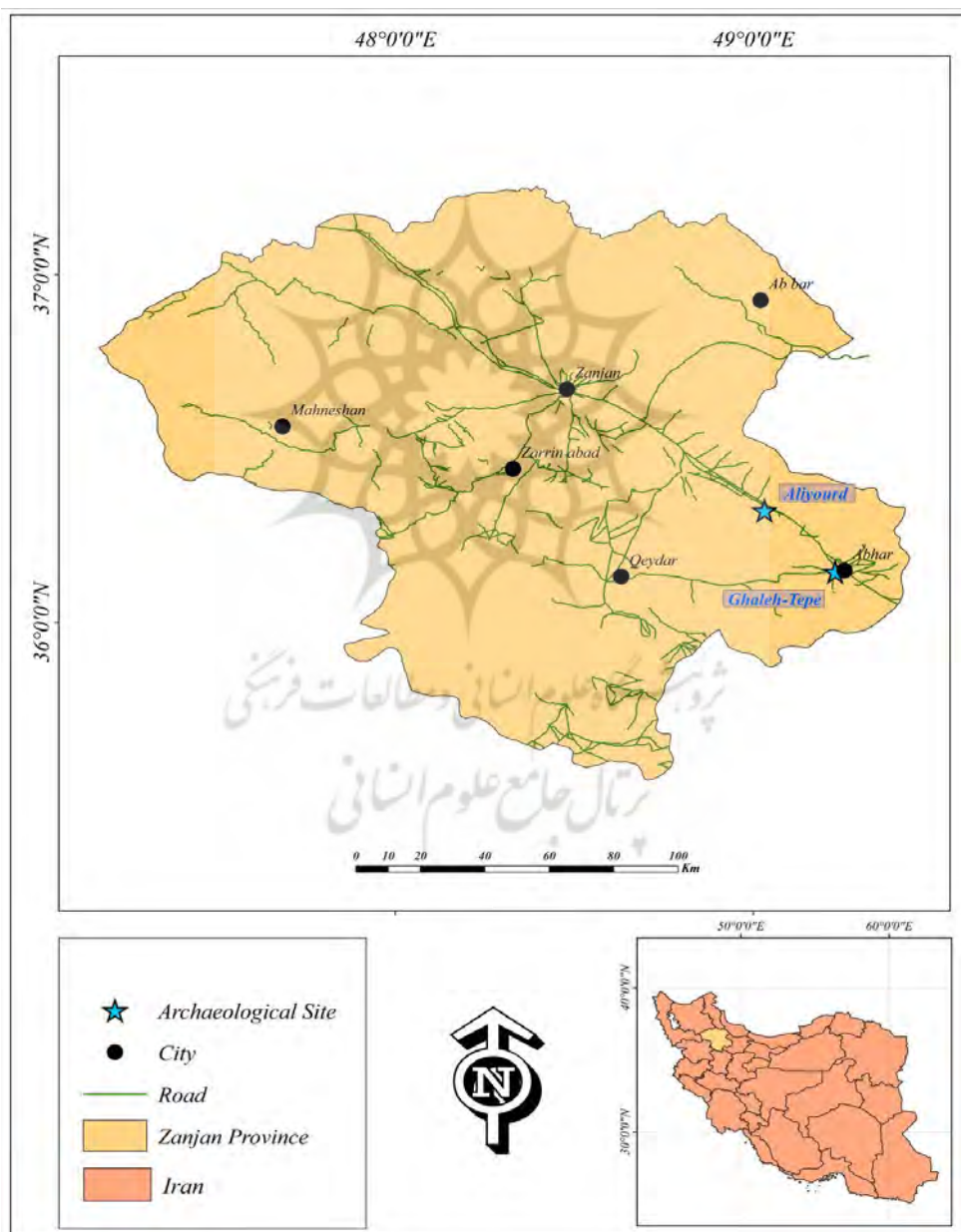
میر فتاح، سید علی اصغر، ۱۳۷۰، سلطانیه، شهرهای ایران (جلد ۴)، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، صص ۲۰۵-۱۵۲.

Young, T. C. Jr., 1969, Excavations at Godin Tepe, First Progress Report, *Occasional Paper 17*, Art and Archaeology, Royal Ontario Museum.

_____، ۱۳۷۳، بررسی و شناسایی قلعه تپه ابهر، مجله اثر، شماره ۲۲، صص ۱۸۵-۱۶۸.

Young, T. C. Jr., & L. D. Levine, Excavations of the Godin Project: Second Progress Report, *Occasional Paper 26*, Art and Archaeology, Royal Ontario Museum.

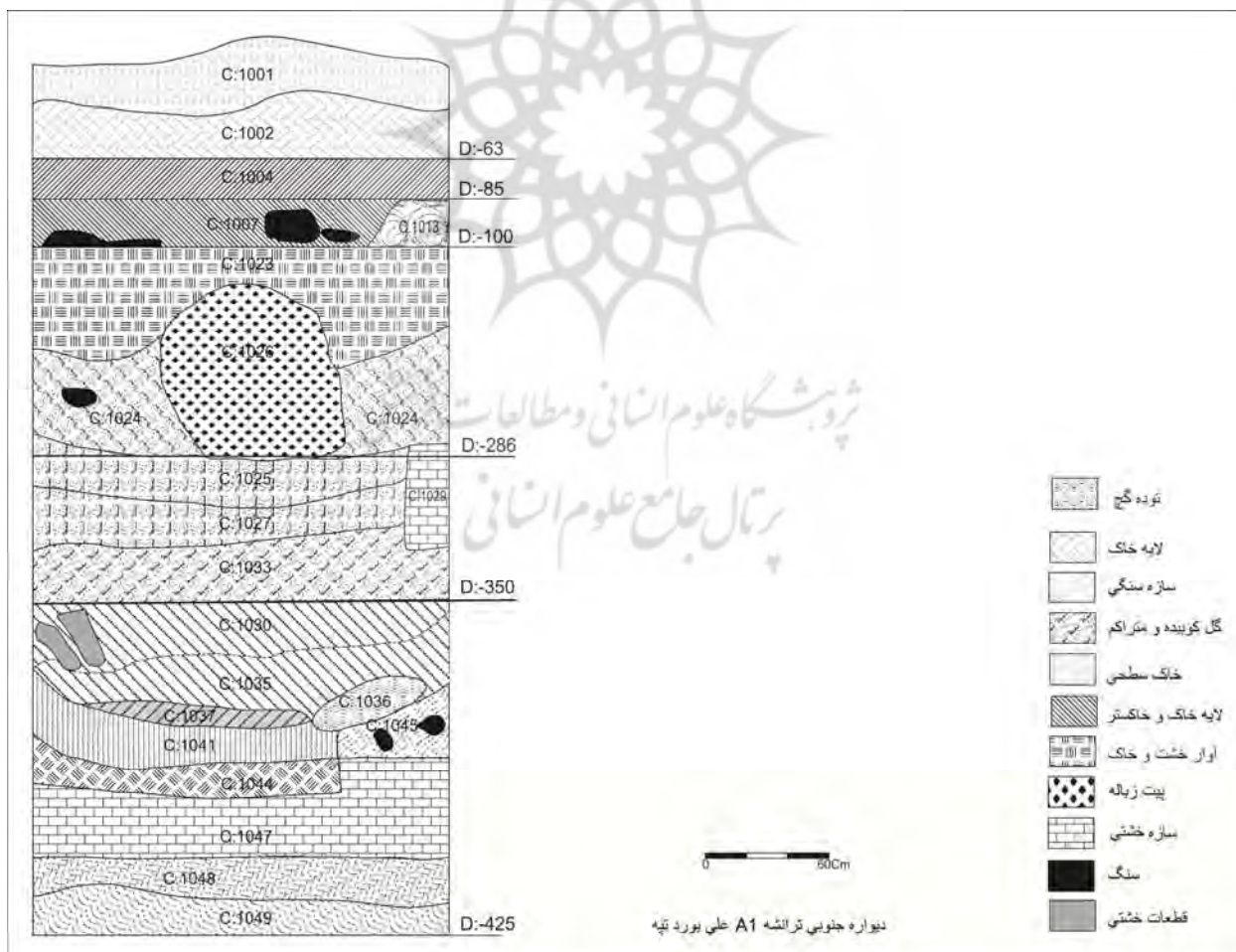
تصاویر



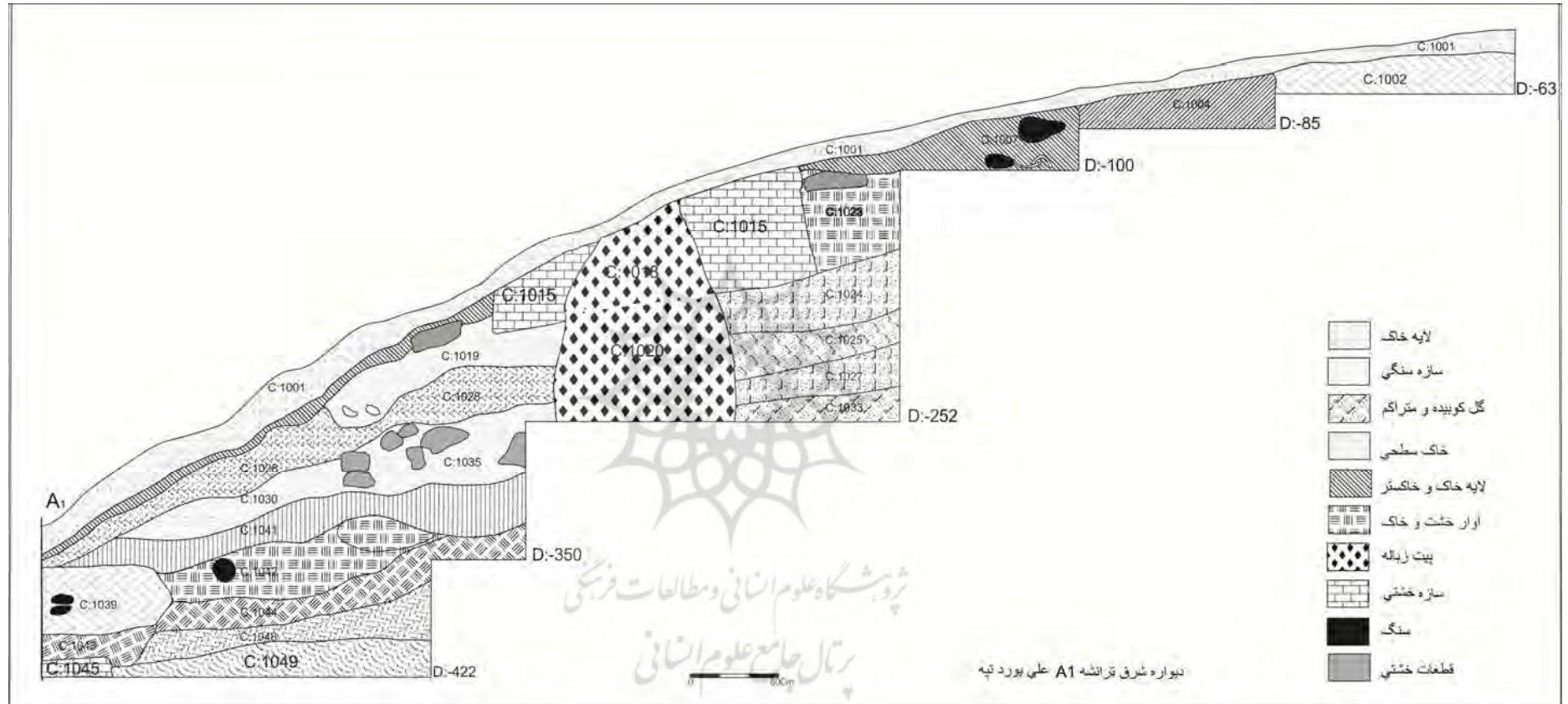
نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی تپه علی یورد در استان زنجان.



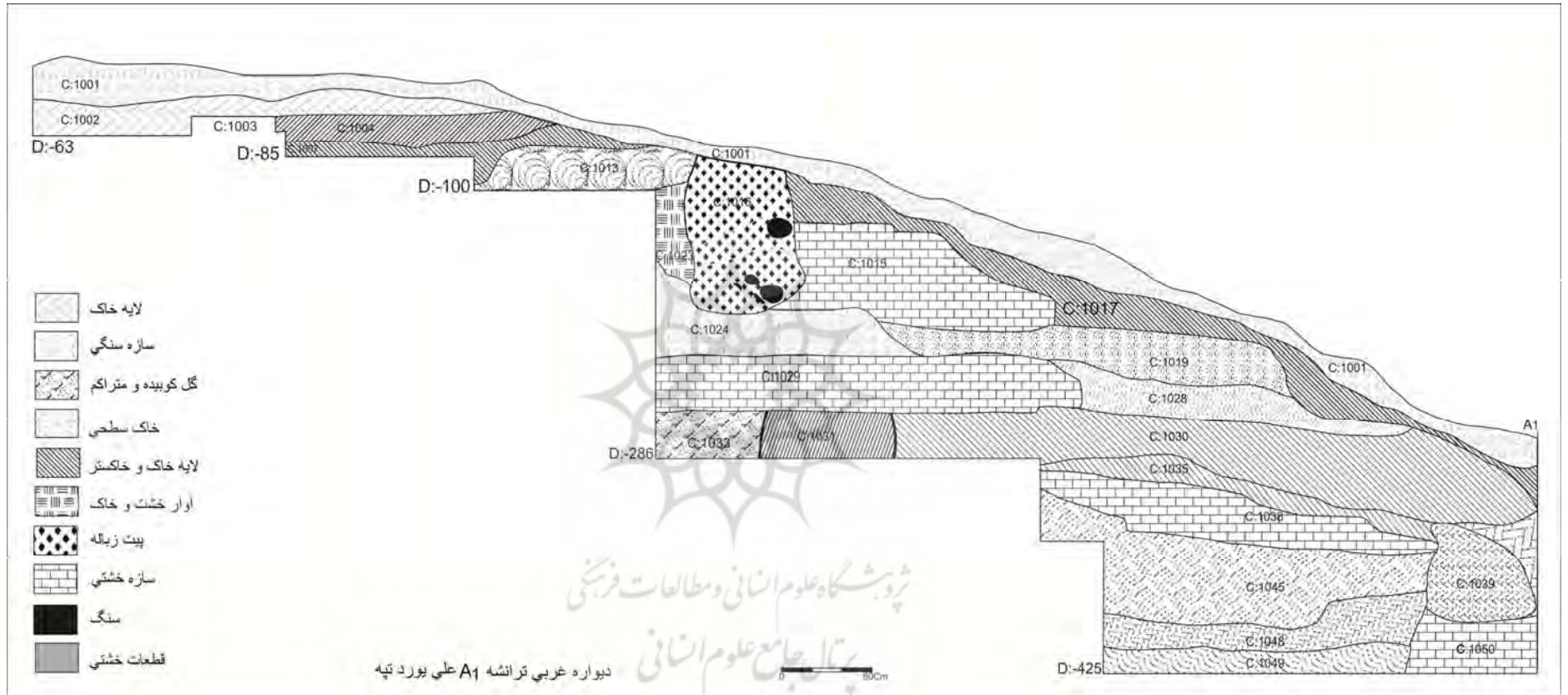
تصویر ۱: علی یورد تپه، ترانشه پلکانی A (دید از شمال غرب).



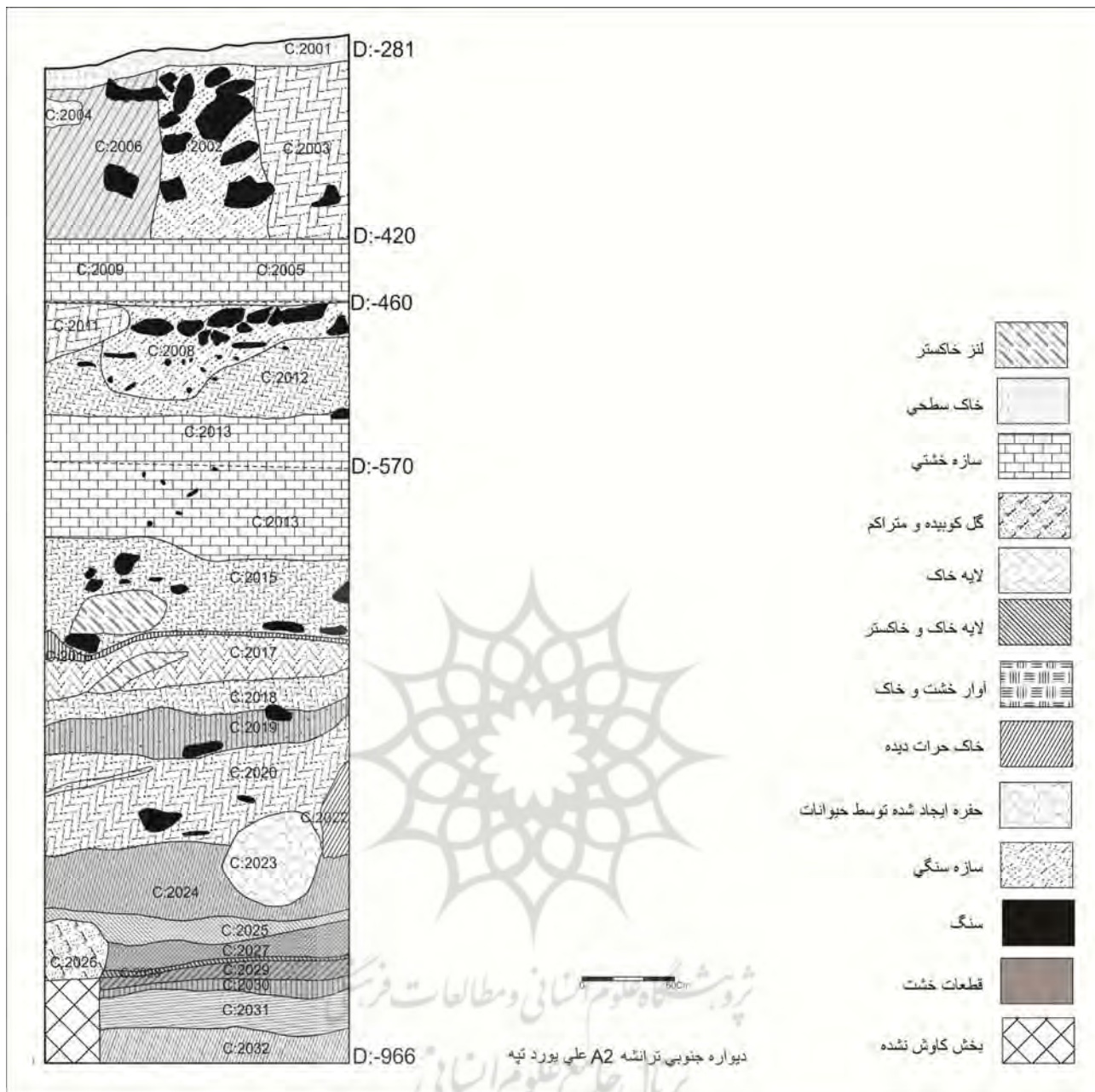
تصویر ۲: طرح برش دیواره جنوبی ترانشه A1.



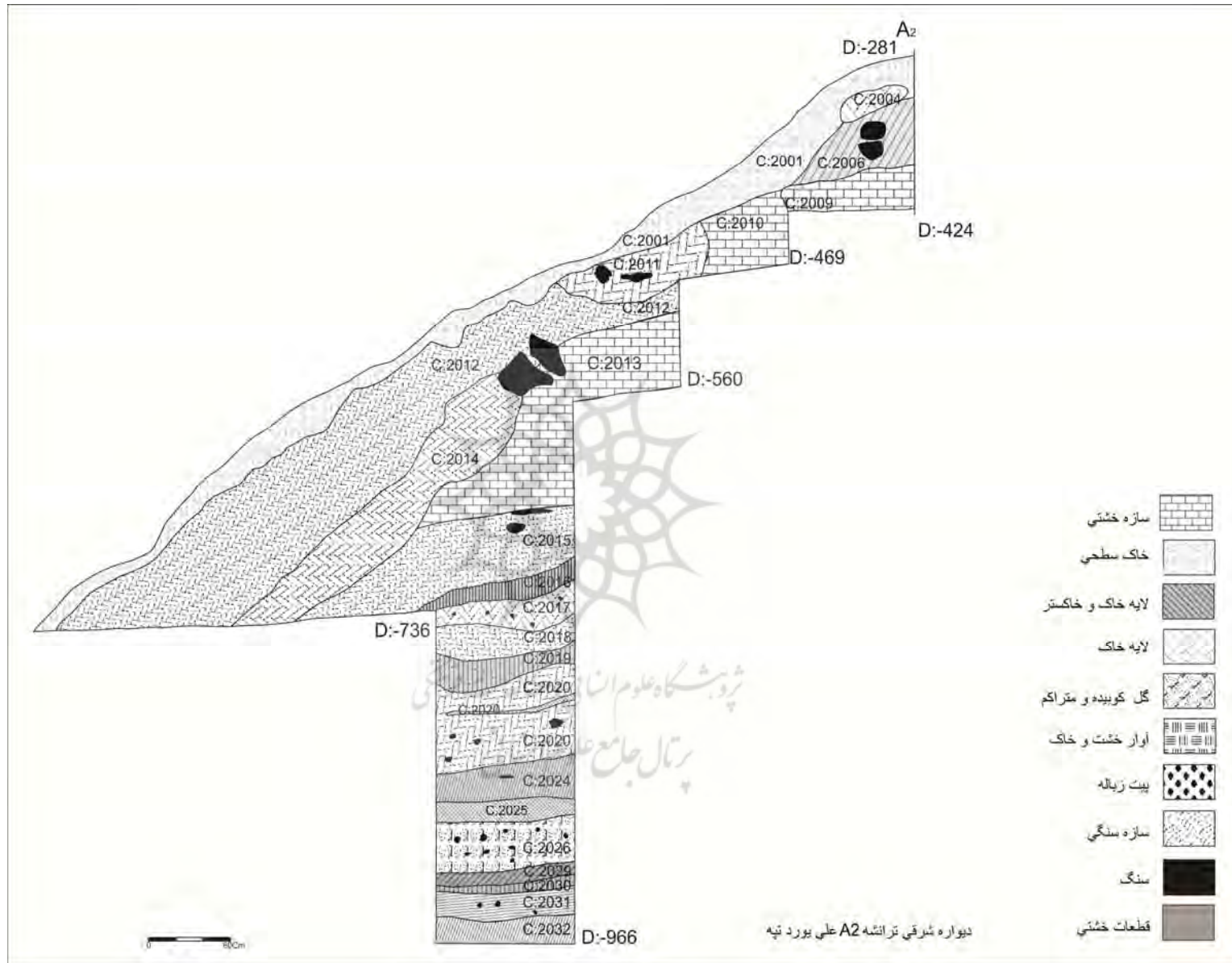
تصویر ۳: طرح برش دیواره شرقی ترانشه A1.



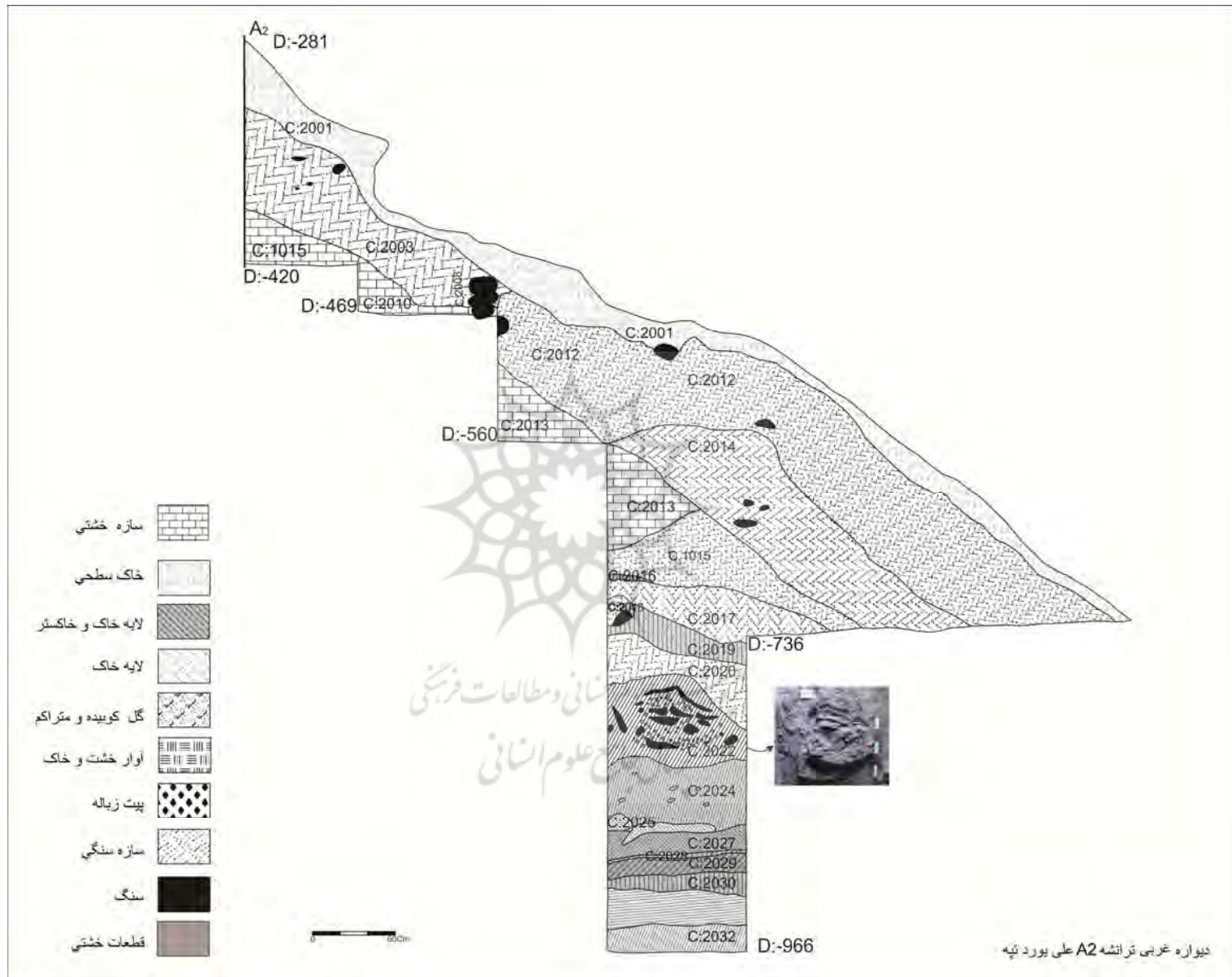
تصویر ۴: طرح برش دیواره غربی ترانشه A1.



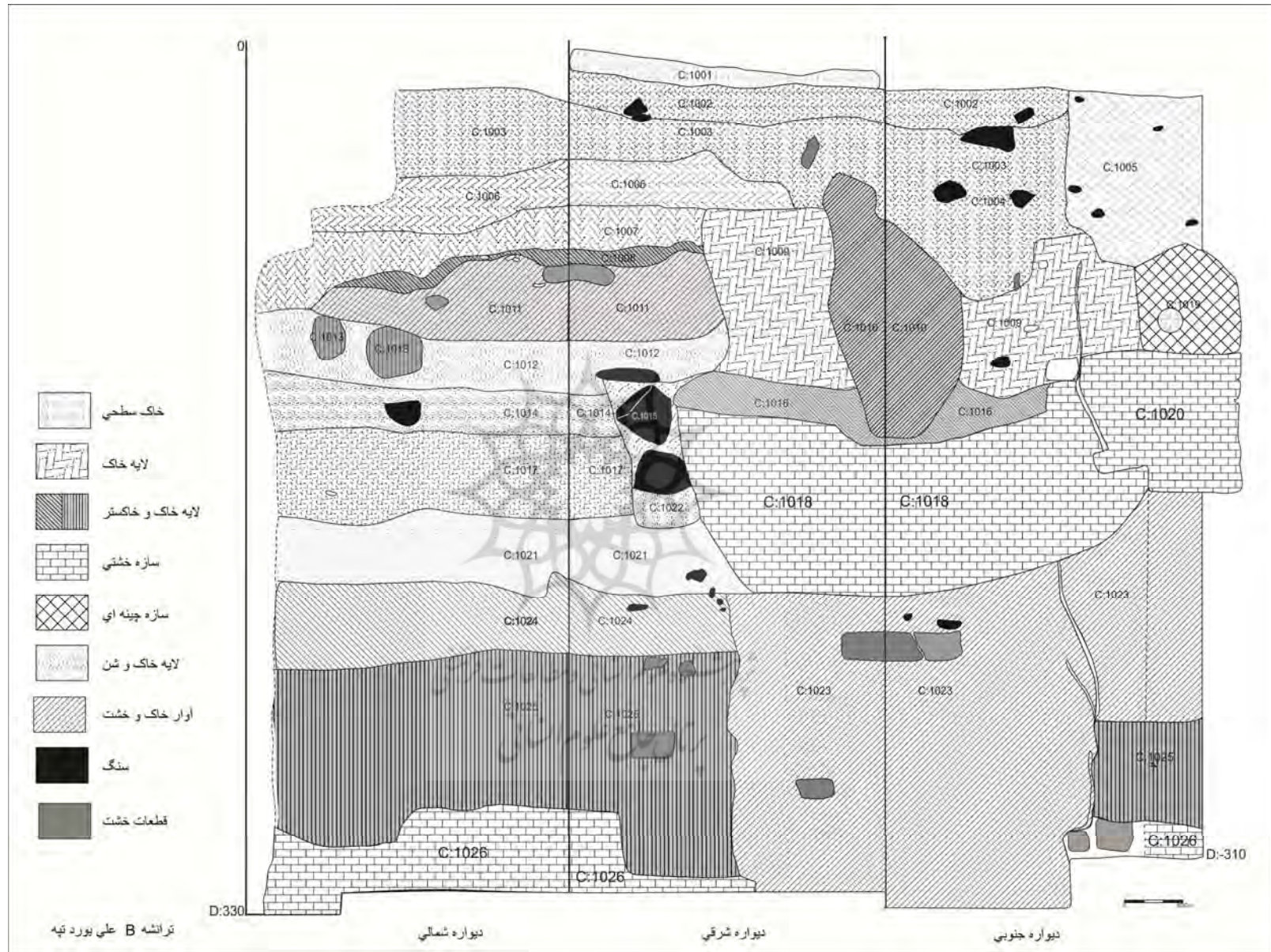
تصویر ۵: طرح برش دیواره جنوبی ترانشه A2. علی یورد نیه



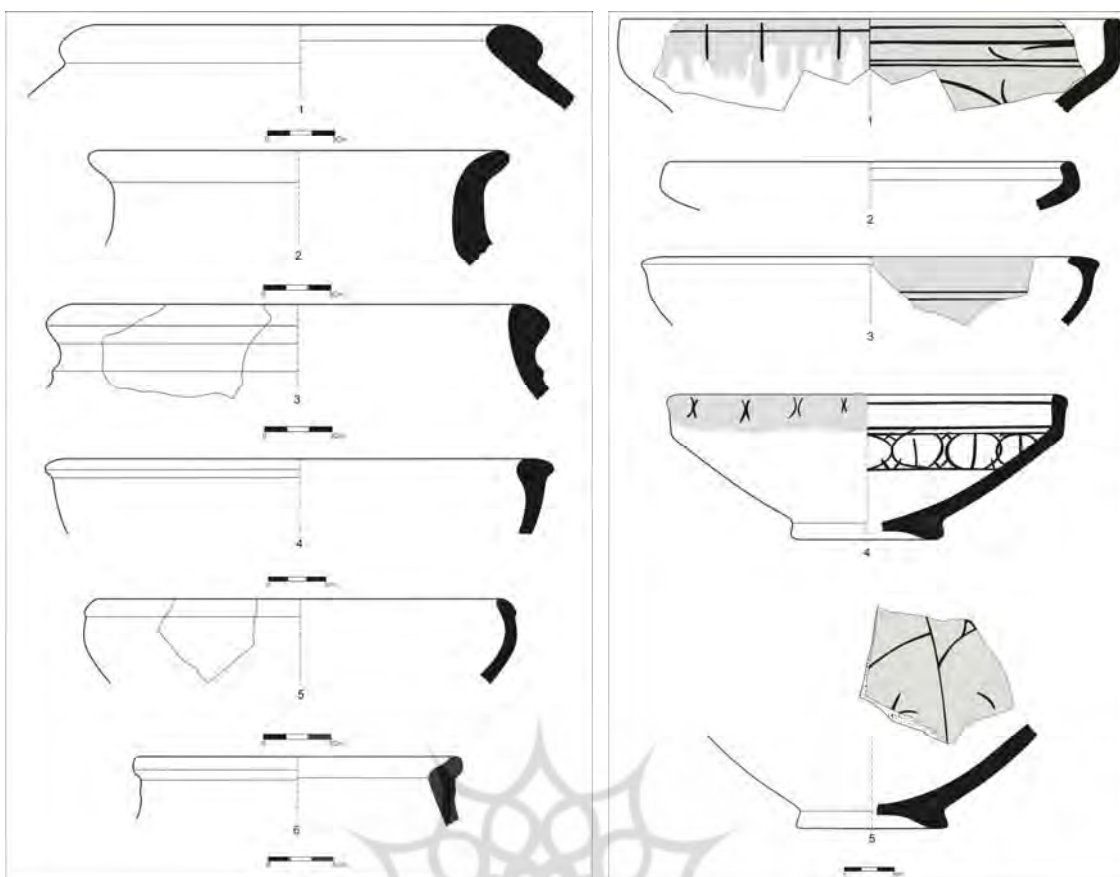
تصویر ۶: طرح برش دیواره شرقی ترانشه A2.



تصویر ۷: طرح برش دیواره غربی ترانشه A2.



تصویر ۸: طرح برش دیواره‌های جنوبی، شرقی و شمالی ترانشه B.



تصویر ۹: منتخب سفال‌های دوران اسلامی در تپه علی‌پورد. تصویر ۱۰: منتخب سفال‌های دوران تاریخی در تپه علی‌پورد.



تصویر ۱۱: منتخب سفال‌های عصر مفرغ در علی‌پورد تپه.

جدول ۱: شرح سفالهای تصویر ۹ (سفالهای اسلامی).

ردیف	آبزه	ظرافت	رنگ	محل تزئین	تکنیک ساختن	جرات	نوع پوشش		پوداخت		رنگ خارج	رنگ داخل	رنگ خمیره
							داخل	بیرون	بیرونی	درونی			
۱	شن نرم	ظریف	اسگرافیاتو	داخل	چرخ ساز	کافی	لعاب	رقیق	-	-	10YR-8/8 yellow	سبز	10YR-8/8 yellow
۲	شن ریز-سنگ ریزه	ظریف	-	-	چرخ ساز	کافی	لعاب	لعاب	-	-	10YR-7/4 very	سبز	10YR-7/4 very
۳	سنگ ریزه	خشن	فشاری	لبه بیرونی	دست ساز	ناکافی	رقیق	رقیق	صیقلی	صیقلی	10YR-4/3 pale Brown	10YR-4/3 pale Brown	10YR-6/3 pale Brown
۴	شن نرم-دانه سفید رنگ	ظریف	کنده	داخل	چرخ ساز	کافی	لعاب	لعاب	-	-	10YR 8/2 white	آبی لاجوردی	آبی لاجوردی
۵	شن نرم	متوسط	اسگرافیاتو	داخل	چرخ ساز	کافی	لعاب	-	دست مرطوب	دست مرطوب	10YR- 7/3 very	سفید	10YR- 7/3 very

جدول ۲: شرح سفالهای تصویر ۱۰ (سفالهای تاریخی)

ردیف	آبزه	ظرافت	رنگ	محل تزئین	تکنیک ساختن	جرات	نوع پوشش		پوداخت		رنگ خارج	رنگ داخل	رنگ خمیره
							داخل	بیرون	بیرونی	درونی			
۱	شن ریز	متوسط	-	-	چرخ ساز	کافی	-	رقیق	دست مرطوب	-	7.5YR 6/0 gray	7.5YR 6/0 gray	7.5YR 6/0 gray
۲	شن نرم	ظریف	-	-	چرخ ساز	کافی	رقیق	رقیق	-	-	7.5 YR 6/4 light brown	7.5 YR 6/4 light brown	7.5 YR 6/4 light
۳	شن ریز و درشت-دانه سفید	متوسط	-	-	چرخ ساز	کافی	-	رقیق	دست مرطوب	دست مرطوب	7.5YR 7/4 pink	7.5 YR 7/4 pink	7.5 YR 7/4 pink
۴	شن نرم	متوسط	-	-	چرخ ساز	کافی	-	-	-	-	7.5 YR 6/4 light brown	7.5 YR 6/4 light brown	7.5 YR 6/4 light brown
۵	شن نرم-میکا-دانه سفید	ظریف	-	-	چرخ ساز	کافی	رقیق	رقیق	-	-	-	7.5 YR 6/4 light brown	5YR 6/6 reddish
۶	شن ریز و دشت-دانه سفید	متوسط	فشاری	بیرونی	دست ساز	کافی	-	-	دست مرطوب	-	10YR- 6/4 light	10 YR- 8/4 very	-

جدول ۳: شرح سفالهای تصویر ۱۱ (عصر مفرغ)

ردیف	آبزه	ظرافت	رنگ	محل تزئین	تکنیک ساختن	جرات	نوع پوشش		پوداخت		رنگ خارج	رنگ داخل	رنگ خمیره
							داخل	بیرون	بیرونی	درونی			
۱	شن نرم	ظریف	کنده	بیرون	چرخ ساز	کافی	رقیق	صیقل	صیقل	-	7.5YR 4/0 dark gray	7.5YR 6/0 gray	2012
۲	شن نرم-دانه سفید	ظریف	کنده	زیر لبه بیرونی	دست ساز	کافی	-	رقیق	صیقل	-	10YR-4/1 dark gray	10YR-4/4dark yellowish	10YR-4/4dark yellowish
۳	شن نرم و درشت و دانه سفید	متوسط	-	-	چرخ ساز	کافی	رقیق	صیقل	صیقل	-	7.5YR 4/0 dark gray	7.5YR 4/0 gray	2016
۴	شن نرم-دانه سفید رنگ	ظریف	-	-	چرخ ساز	کافی	رقیق	صیقل و داغدار	صیقل و داغدار	-	7.5YR 4/0 dark gray	7.5YR 4/0 dark gray	2023